کنکاش درباره یک کشف ۷۰۰ساله در همسایگی حرم‌مطهررضوی

غفلتی به درازای تاریخ دفن شده در خاک عیدگاه







عکس: محسن بخشنده| شهرآرا

لیلا کوچک‌زاده

هنوز یک‌هفته از خبر کشف سنگ‌نگاره‌های باستانی در ارتفاعات جنوبی مشهد نگذشته بود که در هسته مرکزی شهر و در دویست‌متری حرم‌مطهررضوی، در یک حفاری معمولی اداره آب‌وفاضلاب، بخشی دیگر از تاریخ ناشناخته شهرمان از زیر خاک رخ عیان کرد. چندین قطعه استخوان انسان که احتمالا به گورستان قدیمی عیدگاه متعلق است و مقداری سفالینه از دل این پروژه یافت شده است که قطعا ارزش مطالعاتی دارد. در گزارش نخستین از این رخداد که پنجشنبه گذشته چاپ و منتشر شده، فرمانده یگان حفاظت اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی به شهرآرا گفته اجرای طرح متوقف شده و اشیای مکشوفه به کارشناسان میراث‌فرهنگی تحویل داده شده است تا ارزش تاریخی آن‌ها سنجش و ارزیابی شود. دراین‌میان، یک باستان‌شناس اما قدمت بعضی سفال‌ها را به حدود هفتصد سال پیش مشهد و دوران حکومت ایلخانیان مربوط دانسته است؛ دورانی که ایران زیر سم ستوران مغول قرار داشته است، ولی امان‌نامه چنگیز به مشهد سبب ادامه طبیعی جریان زندگی در شهر می‌شود. نکته‌ای که دکتر رجبعلی لباف‌خانیکی، باستان‌شناس، نیز بر آن تأکید می‌کند و معتقد است این آثار کشف‌شده یادگار همان روال عادی زیست در ارض اقدس بوده است. در هر صورت، پنجشنبه همراه با رضا سلیمان‌نوری، مشهدپژوه، به قلب محله عیدگاه در پروژه آب‌وفاضلاب رفتیم؛ جایی که مردم به‌راحتی درحال رفت‌وآمد از کنار پروژه‌ای بودند که با هر حرکت بیل و کلنگ کارگران، استخوان و تکه سفالی روی خاک یافت می‌شد. پروژه‌ای که امیدواریم از قالب یک حفاری ساده به کاوشگری باستانی تبدیل شود و ارزش مطالعاتی آن حفظ و به‌صورت صریح، جزئیات آن بیان شود.

عیدگاه؛ بازدید میدانی از دومین قبرستان بزرگ مشهد

در قلب کوچه عیدگاه ایستاده‌ایم و آن‌طور که رضا سلیمان‌نوری، رئیس انجمن توسعه گردشگری چهارباغ، بیان می‌کند، ۹۱سال پیش در محدوده کنده‌کاری‌های اداره آب وفاضلاب، قبرستان عیدگاه مشهد واقع بوده است؛ یکی از ۹قبرستان مشهد در سال ۱۲۴۸خورشیدی که دومین قبرستان بزرگ شهر نیز بعد از باغ رضوان (قبرستان‌قتلگاه) در دوران قاجار است. این قبرستان در وضعیت کنونی حدود دویست متر با حرم‌مطهر فاصله دارد و در زمان فعالیت در حدود ۱/۵ کیلومتری حرم‌مطهر قرار داشته است. برای دانستن محدوده قبرستان عیدگاه، با راهنمایی سلیمان نوری از فلکه بیت‌المقدس به کوچه امام‌رضای یک که تابلو موزه سماور هم بر سر آن قرار دارد، وارد می‌شویم.

در سه کنج انتهایی کوچه، حسینیه نخودبریزها دیده می‌شود. او می‌گوید: در نقشه جولیوس دالمج مربوط به سال ۱۲۴۸خورشیدی که قدیمی‌ترین نقشه اجتماعی مشهد است، این نقطه مجاور ابتدای قبرستان عیدگاه مشهد بوده است. از انتهای سه کنج به سمت راست، یعنی خیابان اندرزگو می‌پیچیم. از خیابان رد می‌شویم و باتوجه به اینکه دیگر خبری از کوچه گندم‌آباد و سایر کوچه‌های حدفاصل باب‌الجواد(ع) و باب‌الرضا(ع)ی کنونی نیست، از خیابان امام‌رضا(ع) هم گذر می‌کنیم و از کنار ورودی حرم از سمت باب‌الرضا(ع) وارد کوچه عیدگاه می‌شویم و اینجاست که به نخستین بخش از محله عیدگاه، یعنی بازارچه عیدگاه می‌رسیم. بازارچه‌ای که از حدود سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۷۰خورشیدی فعال بوده، اما حالا فقط نزدیک به بیست مغازه از آن باقی مانده است. قبل از این تاریخ، محدوده بازار هم بخشی از قبرستان عیدگاه بوده است. پشت بازارچه، حرم‌مطهررضوی دیده می‌شود و آمدوشد مجاوران و زائران هم در این محدوده فراوان است.

با گذر از بازار، به مسجد صاحب‌الزمان(عج) ساخته شده در سال ۱۳۰۹ خورشیدی می‌رسیم. به گفته این پژوهشگر، این مسجد را می‌توان نمادی از زمان تخریب قبرستان و تبدیل آن به بازار دانست و به این اشاره می‌کند که از معدود مساجدی است که در دوران رضاشاه که ساخت‌وسازهای دینی در سراسر کشور کم است، در مشهد ساخته می‌شود و همچنان پابرجاست.

استخوان‌های افتاده روی تل خاک

سرانجام به محل کنده‌کاری‌های اداره آب‌وفاضلاب می‌رسیم که کل راسته کوچه عیدگاه را از عیدگاه۶ یا کوچه سروش تا عیدگاه۴ یا پایان بوستان محلی عیدگاه دربرگرفته است. تعجب‌آور اینجاست که با وجود اینکه فرمانده یگان حفاظت اداره کل میراث‌فرهنگی اعلام کرده، پروژه برای بررسی اشیای کشف شده متوقف شده است، اما همچنان کارگران در روز پنجشنبه درحال کار هستند! اولین چیزی که نظرمان را جلب می‌کند، تکه استخوان‌های افتاده روی تل‌های خاک است که کارگران هم می‌گویند با هر جابه‌جایی خاک، شاهد دیدن میزان زیادی از آن‌ها هستند. آن‌طور که مشخص است، حدود پنج‌متر برداشت میدانی انجام شده است و اسکلت‌ها و سفال‌ها از این میزان، از دل خاک بیرون زده‌اند.

سلیمان‌نوری ادامه می‌دهد: طبق نقشه دالمج، قبرستان عیدگاه سه قسمت بوده است. قطعه بزرگ قبرستان از حسینیه نخودبریزها تا رسیدن به کوچه گندم‌آباد و کوچه عباسقلی‌خان و پشت زورخانه شهدا است. قطعه یهودها از زورخانه شهدا تا کوچه سروش بوده و قطعه کوچک متعلق به مسلمانان تا عیدگاه۵ است.

این مشهدشناس در توضیح بیشتر این محدوده بیان می‌کند که بخش شمالی عیدگاه به سمت خیابان نواب، محله سکونت اقلیت‌های دینی (جهودها یا جدیدها) و قبرستانشان هم در این بخش واقع بوده است. حدفاصل عیدگاه کنونی و کوچه کربلا، بخش مسلمان‌نشین بوده و قبرستانشان هم در همین محدوده بوده است و هر دو قبرستان در کنار هم قرار می‌گرفتند؛ همین جایی که کنده‌کاری‌های اداره آب‌وفاضلاب روی آن درحال انجام است.

تکه‌های سفال مربوط به ۳ دوره تاریخی مشهد است

اما حامد طهماسبی، باستان‌شناسی که به دلیل فعالیتش در این محدوده، تکه سفال‌های شکسته را دیده است، می‌گوید: برای تشخیص قدمت این سفالینه‌ها می‌توان به طرح شکستگی و حتی رنگ و نقش به‌کاررفته در آن توجه کرد. شکل شکستن سفالینه‌ها بسته به شیوه پرداخت گل و پخت آن‌ها در هر بازه زمانی تاریخی متفاوت بوده است. علاوه بر این، رنگ سفالینه‌ها هم می‌تواند ثابت کند که برخی اشیای کشف‌شده به چه دوره تاریخی مربوط است. او ادامه می‌دهد: در میان سفال‌های شکسته نمونه فنجان و کاسه نگهداری روغن موجود است که به سه دوره صفوی، تیموری و حتی ایلخانی مربوط هستند.

طهماسبی همچنین سفال‌های آبی وسفید را به دوره صفوی مربوط می‌داند و می‌گوید: اواخر دوره تیموری که ارتباط ما با چین گسترش می‌یابد، سفال‌هایی با لعاب آبی وسفید هم زیاد می‌شود. اما سفال‌های سبز مربوط به دوره ایلخانی است و ما دیگر در این دوران لعاب آبی وسفید نداریم. سفال‌های نخودی ساده هم که بدون لعاب هستند، گویا در همه دوره‌ها دیده می‌شوند.

دکتر رجبعلی لباف‌خانیکی درباره این کشف نظر می‌دهد

پیداشدن آثار دوره تیموری و ایلخانی محتمل است

«پیداشدن آثار دوره تیموری و ایلخانی در اطراف حرم بسیار محتمل و عادی است.» رجبعلی لباف‌خانیکی این موضوع را بیان می‌کند و می‌گوید: با وجود کشتار وسیع مغول‌ها در سرتاسر خراسان در سال ۶۱۷قمری، این هجوم به‌ضرر مشهد نشده است و حتی فرصتی برای مشهد پیش آورد تا رونق بگیرد! بنابراین نمی‌توان گفت مشهد در حمله مغول‌ها آسیبی دیده یا ویران شده است. او نقبی به هجوم مغول‌ها به خراسان و وضعیت مشهد در آن دوران می‌زند و می‌گوید: مغول‌ها در ابتدای حرکتشان با گذر از رودخانه جیحون، در دو مرحله به خراسان حمله کردند. یک‌بار در سال ۶۱۷قمری در زمان چنگیزخان، زاوه (تربت‌حیدریه) را به‌دلیل نافرمانی اهالی با خاک یکسان کردند، اما در منطقه توس (دشت مشهد، بین کوه‌های هزارمسجد و بینالود، از سنگ‌بست تا قوچان) برای خود ایل جمع و اطاعت مردم را جذب کردند و کاری به آن‌ها نداشتند. یک سال بعد دوباره در بهار سال ۶۱۸قمری، مغول‌ها به‌رهبری تولی، پسر چنگیز، یورش دیگری آغاز کردند، اما این‌بار دیگر رحم نکردند و در شهر طابران (توس فعلی، محل آرامگاه فردوسی)، جاجرم و سرخس قتل‌عام به راه انداختند. با این همه، به‌گفته لباف‌خانیکی، این وضعیت بغرنج در توس، مشهد فعلی یا همان شهر قدیم نوغان یا مشهدالرضا(ع)، فتنه‌ای راه نمی‌اندازد؛ زیرا اگر چنین بود، باید کاشی‌های سنجری (زرین‌فام) و محراب‌های زرین‌فام حرم‌مطهر که به قبل از حمله مغول مربوط هستند نیز آسیب می‌دید، ولی مغول به مشهد امان می‌دهد و آن را دارالامان می‌کند. این باستان‌شناس تصریح می‌کند که با دارالامان‌شدن مشهد به‌دست چنگیز، همه آوارگان شهرها و روستاها که از حمله مغول آسیب دیده بودند، به مشهد پناه آوردند و مشهد به‌سرعت آباد و به قطب زیارتی و سیاحتی تبدیل شد.



محمود طغرایی، مدیر ثبت میراث‌فرهنگی خراسان رضوی می‌گوید

اینجا از یک چاه کوچک هم سفالینه خارج می‌شود!



مدیر ثبت میراث فرهنگی خراسان رضوی می‌گوید: در محدوده بافت تاریخی مشهد همیشه کنده‌کاری وجود دارد و این موضوع، لزوم حضور یگان حفاظت ما را در این بافت نشان می‌دهد تا اگر به مسئله‌ای برخوردند، از ادامه پروژه جلوگیری کنند. درباره این پروژه نیز از پنجشنبه یک نفر از یگان حفاظت ما در محل حاضر شده و ناظر پروژه است.

محمود طغرایی تأکید می‌کند که در پروژه‌ای این چنینی کارگران برای کندوکاو و به‌دلیل ملاحظه بافت تاریخی از بیل مکانیکی استفاده نمی‌کنند. چاه کنده می‌شود و از طریق نقب‌زدن، لوله‌گذاری انجام می‌شود. او همچنین می‌افزاید: ما اطلاعاتی ارزشمند از لایه‌های اطراف حرم داریم که به کتاب هم تبدیل شده است. طبق این مطالعات، در هر قسمت این محدوده که خاک‌برداری کنید، حتی اگر درختی بکارید یا یک چاه کوچک حفر کنید هم سفالینه خارج می‌شود، اما چیزی ارزشمند است که در فرایند علمی به‌دست بیاید و براساس مطالعات باستان‌شناسانه باشد. طبق این گفته، قرار است تکه‌های سفال بررسی شوند و ارزش تاریخی آن‌ها مشخص شود. دراین‌میان، به‌گفته طغرایی حتی اگر سفالینه‌ای سالم خارج نشود، بازهم آنچه از زیر زمین خارج شده است، ارزش مطالعاتی خواهد داشت.

خبر سوخته

مشهد بهاری و کمبود زغال!



درباره روزنامه حبل‌المتین

حبل‌المتین چهارمین روزنامه آزاد برون‌مرزی است که به‌دست ایرانیان خارج از کشور منتشر می‌شد. این جریده همچنین از نشریاتی است که در وقوع انقلاب مشروطه ایران نقشی مهم و مؤثر داشته است. نخستین شماره حبل‌المتین ۱۰جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ منتشر شده و تا ۳۸سال بعد نیز ادامه داشته است. ناشر و مدیر این روزنامه‌نیز سیدجلال‌الدین حسینی کاشانی، متخلص به «ادیب» است که روزنامه‌اش تا ۲۴آذر ۱۳۰۹ یعنی زمان فوتش منتشر می‌شد و بعد از آن برای همیشه متوقف شد. خبری که امروز از این مطبوعه قدیمی با شما مرور می‌کنیم، به‌مشکلی رایج به‌ویژه در فصل‌های سرد سال اختصاص دارد؛ تهیه سوخت و تأمین گرمای خانه‌ها که بیشتر اوقات با نبود نفت و کمبود زغال روبه‌رو می‌شده است.

۱۴فروردین۱۳۰۷ خورشیدی

امسال زمستان با سرمای بی‌نظیری ظاهر شد، به‌طوری که از بیست سال قبل نظیر بارندگی و شدت برودت آن دیده نشده است. یک چنین موقعی در اثر بی‌مبالاتی مأموران دولت نرخ زغال رو به ترقی گذارده، حالیه متجاوز از سی تومان خرید و فروش می‌شود و گذشته از آن یافت نمی‌شود. اخیرا مقدار دویست خروار زغال که برای رفع احتیاج مردم از چهارماه قبل از طرف بلدیه تهیه دیده شده بوده، وارد تربت (شده) و (ولی) در اثر تلگرافی که از طرف ایالت مخابره شده، در همان محل باقی مانده است.

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت سی‌وسوم)

تاریخ ۴۴۶ساله ایستگاه راه‌آهن مشهد! (بخش دوم)

مرضیه ترابی

بحثمان در بخش قبلی کشیده شد به تاریخ محوطه‌ای که امروزه آن را با نام ایستگاه راه‌آهن مشهد می‌شناسیم. گفتیم که این ایستگاه بزرگ و تأسیسات و محدوده فنی آن، در زمین‌های روستای امین‌آباد بنا شد. همین‌طور به این مسئله اشاره کردیم که بنای ایستگاه راه‌آهن مشهد که برخی آن را جزو بیست معماری برتر آسیا می‌دانند، بین سال‌های ۱۳۳۴تا ۱۳۴۵خورشیدی به‌دست حیدر غیایی شاملو طراحی و اجرا شد. قبل از اینکه بخواهیم دوباره به پیشینه این منطقه وارد شویم، خوب است چند کلمه هم درباره نماد (المان) میدان راه‌آهن مشهد صحبت کنیم. نماد میدان راه‌آهن، شاهکار استاد یعقوب دانش‌دوست است؛ از مفاخر معماری ایران که سال گذشته در هشتاد وسه سالگی دار فانی را وداع گفت. جایی خواندم که آن مرحوم درباره نماد میدان راه‌آهن مشهد گفته است: «نماد میدان راه‌آهن ترکیبی از یک پیکره زن و یک مرد است که نماد بشر هستند.» او نام نماد را «به سوی او» گذاشته بود؛ نمادی که در ذهن مخاطبان هم، تلاش و میل انسان را به‌سوی تعالی تداعی می‌کند. مرحوم دانش‌دوست این نماد را در دوران سربازی طراحی کرد و پس از ساخت، آن را در سال ۱۳۵۱ در میدان راه‌آهن مشهد نصب کردند؛ یعنی حدود شش سال بعد از پایان بنای بزرگ ایستگاه راه‌آهن.

محدوده اتراق کاروان‌ها

برگردیم به سرگذشت و پیشینه محوطه ایستگاه راه‌آهن مشهد. اگر یادتان باشد، گفتیم که روستای امین‌آباد، از روستاهای نزدیک به دروازه نوغان بود. فضای میان این روستا و شهر مشهد معمولا جایگاه اتراق کاروان‌های تجاری یا زیارتی‌ای محسوب می‌شد که شب‌هنگام به نزدیک دروازه‌های مشهد می‌رسیدند و چون اجازه ورود نداشتند، تا صبح در این محدوده می‌ماندند. با این حال، ورود همه این افراد به داخل شهر مجاز شمرده نمی‌شد. در جریان سال‌های هم‌زمان با قحطی دهه ۱۲۷۰ و ۱۲۸۰ خورشیدی، مهاجران منطقه سیستان که قصد ورود به مشهد از طریق دروازه نوغان را داشتند، مجوز ورود دریافت نکردند و مدت‌ها در همین محدوده که امروزه بخشی از محوطه ایستگاه راه‌آهن است، با وضعی نامناسب سکونت داشتند. این وضعیت، البته مخاطراتی را برای ساکنان روستاهای نزدیک مشهد، مانند امین‌آباد ایجاد می‌کرد و باعث به‌وجودآمدن درگیری‌هایی می‌شد. مناطقی که در این محدوده با عنوان گود زابلی‌ها و مانند آن شهرت یافت، احتمالا مکان‌های استقرار این افراد بود که بعدها نام خودش را به این بخش از زمین‌های شمال مشهد داد.

انبار غله مشهد

محوطه امین‌آباد و بخشی از زمین‌های «بُقرآباد» (درباره بقرآباد در قسمت قبل صحبت کردیم)، قنات‌های نسبتا پرآب و متعددی داشت؛ اما بیشتر زمین‌های آن را، دست‌کم از اواخر دوره قاجار، به کشت گندم و جو اختصاص داده بودند و به‌نوعی، انبار غله شهر مشهد به‌حساب می‌آمد. البته این سخن به‌معنای کم‌اهمیت‌بودن دیگر مناطق نیست. دشت زرگران و دیگر مزارع بزرگ روستاهای اطراف مشهد هم نقشی مهم در تأمین غله شهر داشته‌اند. جالب است که نخستین سیلوی قدیمی مشهد، ساخت حدود ۱۳۱۷خورشیدی که هنوز هم پابرجاست، در کنار زمین‌های امین‌آباد و محوطه فعلی ایستگاه راه‌آهن ساخته شد؛ هرچند مستندی درباره ارتباط میان گستردگی کشت گندم و جو در این منطقه، با احداث سیلوی گندم در اختیار نداریم. برخی معتقدند که دلیل ساخت این سیلو در کنار امین‌آباد، نزدیک‌بودن آن به راه‌آهن و آسان‌شدن حمل‌ونقل غلات بوده است؛ اما این سخن، زمانی که دریابیم راه‌آهن سال‌ها بعد از پایان احداث سیلو به مشهد رسید، از اعتبار می‌افتد. مطالعه راه‌آهن گرمسار به مشهد در سال ۱۳۱۶ آغاز شد و البته به‌جایی نرسید، اما در این سال، کار ساخت سیلوی مشهد به مراحل نهایی رسیده بود و نمی‌توان باور کرد که محل احداث سیلو، با مکان ساخت ایستگاه راه‌آهن مشهد مرتبط بوده است. به‌اعتقاد نگارنده، ارتباط میان گستردگی کشت غلات و ساخت نخستین سیلوی مشهد در این منطقه، می‌تواند نظری برای مطالعه در این زمینه باشد. تصاویر مربوط به اوایل دهه ۱۳۲۵خورشیدی، مانند عکسی که مرحوم «سیاح» از ضلع شمالی صحن عتیق با دورنمای خیابان طبرسی و شمال شهر مشهد گرفته است، نشان می‌دهد که کشت‌وزرع در منطقه امین‌آباد، فعالیت غالب بوده است و کمتر می‌شد در آن باغ و درخت مشاهده کرد.

ساخت ایستگاه راه‌آهن

کلنگ اولیه ساخت ایستگاه راه‌آهن مشهد در ۲۵شهریور ۱۳۳۴ زده شد. با این حال، ظاهرا مشکلی اساسی در برابر ساخت این ایستگاه وجود داشت؛ تملک زمین‌های امین‌آباد و اراضی اطراف آن. این زمین‌ها، از نظر مالکیت به دو بخش تقسیم می‌شدند؛ بخش نخست موقوفه آستان قدس رضوی بود و بخش دوم املاک شخصی که البته نسبت به املاک موقوفه، سهم بیشتری داشت. تملک اموال خصوصی با توجه به ریشه‌های آباواجدادی ساکنان منطقه، کاری ساده نبود. وزیر راه وقت، سرلشکر انصاری، در مراسم کلنگ‌زنی ساختمان ایستگاه راه‌آهن مشهد مدعی شد که مبالغ مربوط به تملک زمین‌های خصوصی، تمام‌وکمال پرداخت شده است؛ اما گزارش‌های جسته‌گریخته‌ای درباره تملک اجباری زمین‌ها و بیرون‌راندن ساکنانی که در این مناطق حضور داشتند، وجود دارد. جالب است که حتی با آغاز عملیات ساخت ایستگاه، مناطق هم‌جوار آن و حتی بخش‌هایی از زمین‌های داخل محوطه ایستگاه راه‌آهن، همچنان حکم زمین زراعی را داشتند. طولی نکشید که کاشت درخت در محوطه راه‌آهن و همین‌طور زمین‌های عمومی اطراف ایستگاه (در بخش جنوبی)، محیطی نسبتا باصفا برای گردش‌های خانوادگی ایجاد کرد. قنات حاشیه جنوبی بولوار راه‌آهن فعلی یکی از دلایل انتخاب این محل برای تفرج بود. در روزنامه‌های قدیم شهر مشهد، می‌توان خبرهایی درباره اقامت دانش‌آموزان در این مکان و در فصل امتحانات، با هدف مطالعه و آمادگی برای امتحانات مشاهده کرد. درواقع تغییر کاربری زمین‌های ایستگاه راه‌آهن، فرصتی برای ایجاد یک تفرجگاه موقتی فراهم کرده بود که به‌ویژه اهالی شمال شهر مشهد مانند ساکنان محله نوغان از آن نهایت استفاده را می‌بردند. خوب است بدانید که ایستگاه راه‌آهن مشهد در دهه ۱۳۳۰ و ساختمان ایستگاه در میانه دهه ۱۳۴۰ به سرانجام رسید و تا زمانی که ساختمان ایستگاه کامل شود، محل سوارشدن مسافران و تخلیه بار، در شرق مکان فعلی ایستگاه و در ساختمان‌هایی موقتی قرار داشت؛ ساختمان‌هایی که امروزه از آن‌ها به عنوان انبار استفاده می‌کنند.